

◇ نشریه علمی زن و فرهنگ

سال یازدهم، شماره ۴۱، پاییز ۱۳۹۸

صفحات: ۳۱-۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۲/۰۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۴

## ضعف یادگیری و عملکرد تحصیلی دختران دانش آموز مقطع متوسطه؛ واکاوی تجارب دبیران زن

محمد امینی\*

سید احمد مدنی\*\*

فاطمه باغشیکھی\*\*\*

### چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی و کاوش مهم ترین عوامل موثر بر ضعف یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم کاشان با استناد به تجارب و روایت های دبیران زن این دوره بود. رویکرد کلی حاکم بر این تحقیق با توجه به ماهیت و هدف آن، رویکرد کیفی است که طی آن با استناد به نظریه داده بنیاد و بهره گیری از سنت پژوهشی تجربه زیسته و شیوه مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته تلاش گردید تا ادراکات واقعی دبیران در زمینه موضوع واریسی و مستندسازی گردد. در این راستا، با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند و با رعایت اصل اشباع نظری تجارب ۱۹ دبیر مقطع متوسطه دوم جمع آوری، بررسی و از طریق فرآیند کد گذاری سه مرحله ای باز، محوری و انتخابی سازماندهی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج و یافته های حاصل از این پژوهش نشان داد که برمبنای تجارب و دیدگاه های دبیران مهم ترین عوامل ضعف یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر شامل نحوه کارکرد معلمان، فضای مجازی، خانواده، کتب درسی، ساختار و نحوه برنامه ریزی نظام آموزشی، کمبود امکانات، تجهیزات و فضای آموزشی، شیوه های ارزشیابی، زمان و واقعیات کلان اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه می باشند. در عین حال، پژوهشگران از طریق تمرکز و تأمل بر روی عوامل مذکور دو مضمون اصلی یا پدیده هسته ای تحقیق یعنی عوامل مدرسه ای یا آموزشی (درون سازمانی) و عوامل اجتماعی یا فرا مدرسه ای (برون سازمانی) را استخراج و انتزاع نمودند که از نظر آنان عوامل اصلی توضیح دهنده ضعف یادگیری و کاهش عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم هستند. بدیهی است به کارگیری راهکارهای لازم جهت مقابله علمی با مشکلات مرتبط با عوامل یاد شده مستلزم تلاش سازمان یافته و منسجم نظام آموزشی کشور به ویژه در مقطع متوسطه می باشد.

کلید واژگان: ضعف یادگیری، عملکرد تحصیلی، مقطع متوسطه، دختران دانش آموز، دبیران زن.

\* دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: amini@kashanu.ac.ir)

\*\* استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (ایمیل: madani@kashanu.ac.ir)

\*\*\* دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

(ایمیل: f.baghsheykhi@yahoo.com)

## مقدمه

در جهان سرشار از تغییر و تحولات فزاینده قرن بیستم و یکم هیچ تردیدی در مورد نقش و جایگاه بی بدیل فرآیند یادگیری<sup>۱</sup> در رشد فردی و توسعه اجتماعی وجود ندارد. در واقع، می توان این واقعیت را پذیرفت که یادگیری پایه و مبنای اصلی آموزش و پرورش و یکی از مهم ترین مفاهیم در روان شناسی امروز است که البته تعریف آن نیز با دشواری هایی همراه می باشد (پناهی، قائدی، ضرغامی و عبداللهی، ۱۳۹۶). به همین ترتیب، جهت گیری و غایت اصلی نظام های آموزش و پرورش نیز در پایه ها و مقاطع تحصیلی مختلف فراهم کردن شرایط لازم برای تحقق یادگیری در یادگیرندگان است که این امر در تحلیل نهایی نشان دهنده کارایی و اثربخشی<sup>۲</sup> نظام های مذکور در حصول اهداف متنوع آموزشی و تربیتی خود است. می توان گفت که یادگیری مقصد نهایی برنامه های آموزشی و درسی و هدف اصلی آموزش است و هر نوع فعالیت تربیتی در صورتی موفق خواهد بود که مبتنی بر شناختی صحیح و قابل قبول از یادگیری مبتنی باشد (تلخایی، ۱۳۹۴). در عین حال، در مورد تبیین و مفهوم پردازی یادگیری آرا و نظرات متفاوتی از طرف صاحب نظران مختلف بیان شده است. هرگنهان و اولسون<sup>۳</sup> (۲۰۰۵، ترجمه سیف، ۱۳۸۶) یادگیری را ناظر بر تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری فرد می دانند که از طریق تمرین و تکرار امکان تقویت آن وجود دارد. سیف (۱۳۹۷) با استناد به تعریف هیلگارد و مارکویز<sup>۴</sup> (۱۹۶۸) تصریح می کند یادگیری در معنای ایجاد تغییرات پایدار در رفتار، ناشی از تجربه است که همواره معطوف به فراگیر بوده و هدف اصلی آموزشی را تشکیل می دهد. از دیدگاه گانیه<sup>۵</sup> (۱۹۷۷) یادگیری بیانگر تغییری است که در توانایی ایجاد شده، مدتی باقی مانده و نمی توان آن را به سادگی به فرایندهای رشد نسبت داد. شعبانسی (۱۳۹۶) نیز معتقد است یادگیری معطوف به اعمالی است که به صورت عمد یا غیر عمد بر اثر تجربه حاصل شده باشد. رفتارهای شفاهی و نوشتاری اولین نشانه های یادگیری بوده و از طریق صحبت کردن یا نوشتن افراد می توان به تغییرات حاصل شده در رفتار آنها پی برد. در حالی که پیازه<sup>۶</sup> (۱۹۷۰) یادگیری را پدیده ای ناشی از فرایند رشد شناختی و تعامل پویا و فعال با محیط اجتماعی خود تعریف می کند. میلر (۱۹۸۳) و نورمن<sup>۷</sup> (۱۹۸۲) نیز آن را فراتر از یادآوری محض و شامل توانایی انجام ماهرانه یک تکلیف تلقی می کند (به نقل از غریبی، ۱۳۹۴). می توان در مجموع این معنا را مطرح ساخت که یادگیری ناظر بر بروز تغییر یا تغییرات معناداری است که در ابعاد مختلف وجودی یا شخصیتی دانش آموزان (که در چهارچوب اهداف نظام آموزشی شامل حیطه های شناختی، عاطفی و روانی حرکتی<sup>۸</sup> یا مهارتی است) رخ داده و طبعاً زمینه فعالیت و یا زیست اثر بخش تر فراگیران را فراهم می سازد.

به هر حال، فارغ از تعاریف و تبیین های مختلف یادگیری این نکته قابل کتمان نیست که اصولاً شخصیت، عادات، مهارت ها، دانش ها، نگرش ها و علایق و خصوصیات افراد نشأت گرفته از فرایند

۱. learning

۲. efficiency & effectiveness

۳. Hergenhahn & Olson

۴. Hilgard & Marquis

۵. Gagne

۶. Piaget

۷. Norman

۸. cognitive, affective & psycho-motor

یادگیری بوده (تلخابی، ۱۳۹۴) و از این طریق، رشد فکری، فعلیت یافتن قابلیت های ذهنی و همه پیشرفت های بشری حاصل شده (حسینی لرگانی و سیف، ۱۳۸۰) و حتی می توان آموزش و پرورش را فرایند تسهیل یادگیری یا اکتساب دانش، مهارت، ارزش ها باورها و روابط تعریف کرد (فتحی آذر، ۱۳۹۴).

اما بدیهی است یادگیری دانش آموزان به عنوان نتیجه و بازده نهایی برنامه ریزی های نظام آموزشی و فعالیت های معلمان و دبیران در خلاء اتفاق نمی افتد، بلکه حصول و بروز آن در اشکال و حوزه های مختلف وابسته به وجود مجموعه ای از عوامل و یا متغیرهایی است که به مثابه شرایط اولیه و لازم برای یادگیری عمل نموده و طبعا فقدان آنها تحقق این هدف مهم نظام آموزشی را به امری مشکل آفرین تبدیل می کند. از این روست که شناخت عوامل موثر بر یادگیری به منظور افزایش سطح عملکرد و انگیزش تحصیلی فراگیران از اهداف محوری پژوهش های تربیتی محسوب شده و باعث رفع مشکلات و نارسایی های اصلی نظام های آموزشی می گردد (چو، ۲۰۱۰، اکبری منجرمونی و کشتی آرای، ۱۳۹۴). در واقع، باید پذیرفت همان گونه که وجود برخی شرایط و یا عوامل بستریهای لازم را برای یادگیری فراهم می سازند، فقدان آنها نیز عدم یادگیری فراگیران و ضعف عملکرد تحصیلی آنها را به دنبال داشته و معضلات و ناکارآمدی های فزاینده بعدی را تشدید می کند. با توجه به چنین وضعیتی است که متخصصان آموزش و پرورش به انحای مختلف در صدد بررسی عوامل موثر بر یادگیری دانش آموزان بوده تا بدین وسیله از هدر رفتن و حیف و میل بودجه های آموزشی جلوگیری کرده و استفاده بهینه از امکانات و منابع موجود را ممکن سازند (گنجعلی، ۱۳۹۳). البته باید یادآوری کرد که یادگیری خود یک متغیر بسیار پیچیده و عوامل مختلفی هم چون هوش، انگیزه، محیط مناسب، عوامل خانوادگی، جامعه، کیفیت مدرسه، معلم و ... به درجاتی متفاوت بر آن تاثیر می گذارند (کلباسی، ناصری، شریف زاده، و پورصفر، ۱۳۸۷).

انتوستیل<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان را نشأت گرفته از سه عامل خصوصیات فراگیران (دانش و تجربه قبلی، ویژگی های ذهنی، خصوصیات شخصی، نگرش به درس و ...) و ویژگی های تدریس معلم (دانش و تجربه معلم، علاقه و اشتیاق وی به تدریس، روش تدریس و ...) و خصوصیات محیط تدریس (مواد و منابع درسی، نحوه ارزشیابی، حجم تکالیف درسی، میزان آزادی و حق انتخاب فراگیران و ...) ارزیابی می کند. بندورا<sup>۳</sup> (۱۹۸۶) که نظریه یادگیری مشاهده ای<sup>۴</sup> وی معرف دیدگاه و رویکرد کلی این صاحب نظر نسبت به یادگیری است، معتقد است اصولاً نوع یادگیری تحت تاثیر متقابل سه عامل یا عنصر شخصی، رویدادهای محیطی و رفتارها (کلامی و عملی) بوده و فرد از طریق فرایندهای توجه، به یاد سپاری، باز آفرینی (تولید رفتاری) و انگیزش قادر به یادگیری می گردد. از دیدگاه راسل و پتری<sup>۵</sup> (۱۹۹۲) متغیرهای اصلی و تعیین کننده یادگیری شامل عوامل تحصیلی (مهارتهای مطالعه، اضطراب، انگیزش تحصیلی، خودکارآمدی، استعداد تحصیلی و ...) اجتماعی یا محیطی (استرس زندگی، رضایت و حمایت اجتماعی در محیط یادگیری، محیط خانواده ها و ...) و شخصیتی (ارزش ها و باورهای

۱. Cho

۲. Entwistel

۳. Bandora

۴. Observational Learning Theory

۵. Russell & Petrie

فردی، سطح انگیزش، خودکارآمدی و ... هستند. کیم، نیوتون و داوونی<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) هم به تاسی از دیدگاه راسل و پتری (۱۹۹۲) عوامل اصلی پیشرفت و موفقیت تحصیلی یادگیرندگان را در قالب متغیرهای استعداد تحصیلی، عوامل محیطی و متغیرهای فردی معرفی و تبیین می کنند.

مایکل کلیفل<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) نقش و جایگاه اشتیاق عاطفی، شناختی و رفتاری یادگیرندگان در جریان یادگیری را بسیار مهم دانسته و تصریح می کنند آن دسته از فراگیرانی که بدون شور و اشتیاق و بایی حوصلگی کار می کنند، درگیر فرایند یادگیری نمی شوند. در عین حال، انگیزش و یادگیری فعال با یکدیگر هم افزایی داشته و افرادی که این دو عامل را با هم تلفیق می کنند واجد اشتیاق درونی بسیار بیشتری برای یادگیری می گردند. برخی دیگر از صاحب نظران از جمله آرکون و عسکر<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) و چنی<sup>۴</sup> (۲۰۰۸) نقش موثر و معنادار محیط های یادگیری را متذکر شده و معتقدند محیط های یادگیری غنی و معناداری که در آن ویژگی هایی نظیر آزادی عمل فراگیران در کلاس درس و دفاع از دیدگاه های خود، درگیر شدن با موقعیت های واقعی یادگیری، به اشتراک گذاری دانش و مهارت های یاد گرفته شده، تاکید بر اهداف یادگیری پیشرفته، همکاری و تعامل دانش آموزان و ... وجود دارد، شرایط و بسترهای بسیار بهتری را برای وقوع یادگیری فراهم می کنند.

از سوی دیگر، پژوهش های انجام گرفته نیز نقش عوامل و متغیرهای تاثیرگذار در یادگیری فراگیران را مستند سازی کرده اند، در تحقیق مشتاقی و افضل زاده (۱۳۹۵) خودکارآمدی تحصیلی، ارتباطات کلاسی، رضایت مندی احساسی، اشتغال در فعالیت های درسی، سازماندهی و توجه در مطالعه و استرس و فشار زمانی به عنوان عوامل موثر بر یادگیری شناخته و گزارش شده اند. یوسفی افروشته، مروتی و چراغی (۱۳۹۴) در تحقیق خود عواملی هم چون تدریس فعال و تعاملی معلم، جو یادگیری با نشاط و جذاب، ارتباط یادگیری با واقعیات و نیازهای شغلی و حرفه ای و توان علمی و تخصصی معلمان را به عنوان مولفه های اصلی معرفی کرده اند که باعث ایجاد یک محیط یادگیری اثر بخش می شود. پژوهش طلایی و حکمت پور (۱۳۹۱) نیز شرایط آموزشی مناسب، وضعیت فردی و متغیرهای محیطی رابه عنوان مضامین یا درون مایه های اصلی موثر بر یادگیری فعال معرفی کرده اند که باعث ایجاد یک محیط یادگیری اثر بخش می شوند. مضافاً محققان مذکور، برنامه ریزی درسی مناسب، کیفیت تدریس، محرک های روحی- روانی، باورها، توانمندی های فردی، مهارت های یادگیری، نقش اطرافیان، حمایت مالی و محیط مناسب را به عنوان طبقات یا مولفه های فرعی که بر وقوع یادگیری تاثیر می گذارند، معرفی کرده اند. در تحقیق نجفی، آتشی و جعفری (۱۳۹۱) این یافته مورد تاکید قرار گرفته که روش های یادگیری غیررسمی و مبتنی بر تعاملات اجتماعی و انسانی بیشترین ارتباط را با یادگیری فراگیران دارد. محمودیان، عباسی، پیرانی و شاه علی کیورانی (۱۳۹۷) هم در تحقیق خود ارتباط معنادار اشتیاق عاطفی، شناختی و رفتاری یادگیرندگان را با فرسودگی تحصیلی مورد تایید قرار داده و تصریح کرده اند که با افزایش اشتیاق عاطفی

۱. Kim, Newton, & Downey

۲. Michael Klipfel

۳. Arkon & Askar

۴. Cheney

میزان فرسودگی تحصیلی کاهش می یابد.

از سوی دیگر، برناردو<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) در پژوهش خود رابطه مثبت و معنادار رویکردهای یادگیری عمیق فراگیران و پیشرفت تحصیلی آنان را گزارش کرده است. تحقیق هاول و واتسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) نیز نشان داد آن دسته از یادگیرندگان که اشتیاق رفتاری کمی نسبت به مسایل درسی و تحصیلی خود دارند، سطوح اندکی از اعتماد به نفس و خودتنظیمی یادگیری را بروز داده و بالعکس دارای استرس، اضطراب و خستگی مفرط هستند. در تحقیق یانگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) هم این یافته مورد تایید قرار گرفته که محیط یادگیری غنی که طی آن فرصت های لازم برای انتخاب و خود راهبری دانش آموزان و استقلال عمل آنها را افزایش یافته و در عین حال انگیزه های درونی لازم را برای یادگیری مهیا می سازند، باعث ارتقای یادگیری می شوند. به هر حال، با استناد به مبانی نظری و پژوهشی ارائه شده هدف این پژوهش آن است که به اتکای یک پژوهش کیفی و مبتنی بر ادراکات و تجارب زیسته و اندیشیده دبیران (به عنوان مجریان اصلی برنامه های آموزشی و درسی مهم ترین عوامل موثر بر ضعف یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر کاشان مورد بررسی قرار گیرد. اطلاعات حاصله از این طریق تصویری روشن از وضعیت موجود یادگیری و تنگناها و چالش های مبتلا به آن در مدارس متوسطه دوم ارائه کرده و در عین حال، داده های لازم را برای ایجاد اصلاحات و تغییرات ضروری در این حوزه فراهم سازد.

### روش

طرح پژوهش، جامعه آماری، و روش نمونه گیری: رویکرد طرح تحقیق با توجه به ماهیت و هدف آن، متناسب با رویکرد کیفی است که طی آن از سنت پژوهشی تجربه زیسته بهره گرفته شده است. در پژوهش حاضر هدف آن است که تجربه زیسته دبیران مقطع متوسطه دوم (به عنوان عوامل اصلی اجرای برنامه های درسی و آموزشی این مقطع) در زمینه عوامل موثر بر یادگیری دانش آموزان متوسطه و فراز و فرودهای آن مورد بررسی عمیق و موشکافانه قرار بگیرد. جامعه آماری تحقیق را کلیه دبیران دوره متوسطه شهرستان کاشان تشکیل می دهند. برای نمونه گیری از روش نمونه گیری هدفمند، از نوع موارد مطلوب استفاده شد. در این راستا دیدگاه ها و تجارب ۱۹ تن از دبیران دارای سابقه بیش از ۱۰ سال تدریس در مدارس متوسطه به عنوان مشارکت کنندگان یا منابع اطلاع رسانی مورد کاوش قرار گرفت. بیش از ۴۷ درصد دبیران مشارکت کننده دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد، ۴۲ درصد کارشناسی و حدود ۱۱ درصد نیز دارای مدرک دکترا بودند که در پایه های مختلف مقطع متوسطه به تدریس اشتغال داشته و مدارک تحصیلی آنها نیز در رشته هایی گوناگونی از جمله ریاضی، تاریخ، شیمی ریاضی، ادبیات فارسی، الهیات، روان شناسی و زیست شناسی و..... بود. در جدول شماره ۱ ویژگی های منابع اطلاع رسانی مشخص شده است.

۱. Bernardo

۲. Howell & Watson

۳. Young

## جدول ۱. ویژگی‌های منابع اطلاع‌رسان

کد شرکت کننده	رشته تدریس	سابقه (سال)	مدرک تحصیلی	نوع مدرسه
۱	ادبیات فارسی	۲۶	کارشناسی	دولتی
۲	ریاضی	۱۵	کارشناسی	دولتی، نمونه دولتی، شاهد
۳	علوم اجتماعی	۲۱	کارشناسی ارشد	دولتی
۴	زبان انگلیسی	۲۰	کارشناسی ارشد	دولتی، تیزهوشان، نمونه دولتی
۵	ریاضی	۱۲	کارشناسی ارشد	دولتی، نمونه دولتی
۶	زبان انگلیسی	۲۶	کارشناسی	دولتی، نمونه دولتی
۷	تاریخ	۲۱	کارشناسی ارشد	دولتی
۸	شیمی	۲۶	کارشناسی	دولتی، تیزهوشان، نمونه دولتی
۹	ادبیات فارسی	۲۲	کارشناسی ارشد	دولتی، شاهد
۱۰	ریاضی	۱۵	کارشناسی ارشد	دولتی، نمونه دولتی
۱۱	عربی	۱۵	کارشناسی ارشد	دولتی
۱۲	شیمی	۲۳	کارشناسی ارشد	غیر انتفاعی
۱۳	ریاضی	۲۰	دکتری	دولتی، نمونه دولتی، غیر انتفاعی، شاهد
۱۴	روانشناسی	۱۵	کارشناسی	دولتی، معارف
۱۵	زیست شناسی	۱۷	کارشناسی	غیر انتفاعی، دولتی
۱۶	جامعه شناسی	۲۵	دکتری	دولتی، غیر انتفاعی
۱۷	عربی	۲۰	کارشناسی ارشد	دولتی
۱۸	ادبیات فارسی	۲۵	کارشناسی	دولتی
۱۹	فلسفه و الهیات	۲۰	کارشناسی	دولتی

## روش اجرا

در خلال انجام مصاحبه‌ها به دبیران مجال و فرصت کافی داده شد تا به بیان و تشریح تجارب و نقطه نظرات خود در مورد وضعیت واقعی یادگیری دانش آموزان مقطع متوسطه و عوامل موثر یا مخل آن پرداخته و ادراکات خاص خود را در این زمینه تبیین کنند. مصاحبه‌ها طی مدت زمان ۳۰ تا ۴۰ دقیقه در دفاتر مدارس متوسطه مورد پژوهش انجام شده و به دبیران مشارکت کننده در زمینه محرمانه بودن محتوای مصاحبه‌ها اطمینان کامل داده شد. مصاحبه‌ها تا زمان اشباع نظری ادامه یافت. طی انجام مصاحبه‌ها تلاش گردید تا با طرح مصادیق مرتبط با پرسش محوری تحقیق به مثابه نقاط عطف گفتگو، هدایت جریان مصاحبه به مسیر مورد نظر فراهم و تثبیت شده تا از فرو کاستن پاسخ‌ها به حوزه‌های نامربوط و طرح داده‌های سطحی و کم اهمیت جلوگیری شود.

## ابزار سنجش

ابزار جمع آوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته بود. گال، بورگ و گال<sup>۱</sup> (ترجمه نصر و همکاران، ۱۳۹۰) معتقدند داده ها و اطلاعات بدست آمده از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند در مقایسه با آنچه که از طریق سایر مصاحبه ها بدست می آید، عمق بیشتری دارد. جهت سازماندهی و تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از روش کد گذاری در قالب نظریه داده بنیاد<sup>۲</sup> استفاده شد. اشتراس و کوربین<sup>۳</sup> (۱۹۹۰) مراحل کد گذاری را شامل سه مرحله کد گذاری باز<sup>۴</sup>، کد گذاری محوری<sup>۵</sup> و کد گذاری انتخابی<sup>۶</sup> می دانند. کد گذاری باز ناظر بر فرآیند خرد کردن، بررسی، مقایسه، مفهوم پردازی و طبقه بندی داده هاست. کد گذاری محوری، تحلیل عمیق انجام شده حول یک مقوله در یک زمان که حاصل دانش انباشته شده در باره رابطه بین آن مقوله و دیگر مقوله ها یا مقوله های فرعی است و نهایتاً کد گذاری انتخابی به عنوان مرحله نهایی تحلیل داده ها مجموعه ای منسجم و نظام مند از روابط میان مفاهیم و مقوله ها را ترسیم می کند. در عین حال، پژوهشگران تلاش کردند تا با استفاده از راهکارهایی نظیر کسب اعتماد و اطمینان دبیران و جلب مشارکت هر چه بیشتر آنها، بررسی مستمر داده ها و اطلاعات بدست آمده، تجزیه و تحلیل آنها در اولین فرصت ممکن بعد از هر مصاحبه، استفاده از بازخورد دبیران مشارکت کننده جهت تعیین میزان کفایت داده ها، افزایش تعداد مصاحبه ها، بازنگری خود دبیران و استفاده از دیدگاههای اصلاحی آنان، مرور و بازخوانی برخی کدهای استخراج شده به همراه برخی دبیران مشارکت کننده تلاش کردند تا بر میزان صحت و تائید پذیری یافته های حاصل از پژوهش بیفزایند. نمونه هایی از فرایند جمع آوری، کد گذاری، سازماندهی و استنتاج مفاهیم اصلی این پژوهش در جداول ۲ و ۳ نشان داده شده است.

---

۱. Gall, Borg & Gall

۲. Grounded Theory

۳. Strauss & Corbin

۴. open coding

۵. axial coding

۶. selective coding

## جدول ۲. نمونه جدول سازماندهی و استخراج مفاهیم مرتبط با عوامل آموزشگاهی

پدیده هسته ای	خوشه مقوله ای	مقوله سطح دوم	مقوله سطح اول	گزاره ها/ روایت ها
عوامل آموزشگاهی (درون سازمانی)	چالش معلمان	کمبود صلاحیت های حرفه ای	کمبود دانش تخصصی معلمان	معلمای ما به کتابای جدید اشراف ندارن. دبیر فصل یک رو درس میده ولی نمی دونه فصل چهار کتاب چه خبره و برای همین نمی تونه مطالب را خوب ترکیب کنه. روی مطالب کتابای جدید تسلط نداره. / فقط یک درصد معلمای ما برای به روز شدن وقت میذارن. بقیه اشراف کافی ندارن. مخصوصا با تغییر نظام و تغییر کتب درسی / عملکرد ضعیف معلم، انگیزه و علاقه دانش آموز را میاره پایین... / اگر معلم نتونه ارتباط خوبی با دانش آموزان برقرار کنه، از لحاظ بار عاطفی روی دانش آموزان تاثیر میذاره. معلم و مهارت های ارتباطی و اینکه چطور دانش آموز را علاقه مند کنه و بتونه تاثیر بذاره مهمه. . دانش آموزی که تحت تاثیر مهارتهای ارتباطی خوب دبیر، چقدر علاقه مند شده و در ادامه تحصیل موفق بوده / دانش آموز میگه به این درس علاقه ندارم چون معلمش رو دوست ندارم معلم خودش مسائل روحل می کنه و دانش آموز هم رونویسی می کنه، هیچ وقت به بچه ها فرصت فکر کردن و حل کردن نداده ایم. دبیر کاری نداره که دانش آموز مطلب را فهمیده یا مطالب را کار می کنه یا نه؟ میاد ساعتش بخوره و بره. درسشو میده تمرینا رو هم یکی از بچه هایی که حل کرده، پای تابلو حل می کنه و بقیه دانش آموزان فقط رونویسی می کنن /
			عدم ارتباط عاطفی با دانش آموزان	مشکلات روش تدریس معلمان
		جایگاه نازل اقتصادی و اجتماعی	تنگناهای مالی و معیشتی معلمان	



### جدول ۳. نمونه جدول سازماندهی و استخراج مفاهیم مرتبط با عوامل اجتماعی

گزاره ها/ روایت ها	مقوله سطح اول	مقوله سطح دوم	خوشه مقوله ای	پدیده هسته ای
موضوعی که این روزها خیلی بهش برمی خورم اینه که فضای مجازی باعث ایجاد درگیری ذهنی بچه ها می شه. به قول خودش از خواب و خوراک افتاده بود و نمی تونه روی درسش تمرکز کنه. این فضای مجازی میتونه در ایجاد روابط نامتعارف نقش داشته باشه. به هر حال اقتضای سنشونه و جذابیت این شبکه ها اونارو جذب می کنه. سر کلاس می بینم دانش آموز چرت میزنه و می پرسه مشکلی داری؟ بقیه بچه ها میخندن و می گن خانم تا ساعت ۳ بیدار بودیم. توی تلگرام. پس وقت داره درس بخونه. دختر دبیرستانی کتک میخوره بابت اینکه گوشی باباش رو برداشته و یواشکی استفاده کرده، ولی بازم ازش جدا نمیشه. معمولا دانش آموزان این روابط رو از خانواده ها پنهان می کنن/دانش آموز میگه ما در منزل اصلا همدیگرو نمی بینیم و باهم حرف نمی زنیم. همه توی خونه با گوشی مشغولن حتی بابام از اون اتاق میبینه من آنلایتم پیام میده که یه لیوان آب برام بیار!	درگیری و اشتغال ذهنی	تخریب فردی و خانوادگی	چالش فضای مجازی	عوامل اجتماعی ( برون سازمانی)

#### یافته ها

یافته های حاصل از مصاحبه های انجام شده با دبیران مشارکت کننده در این پژوهش، مشخص ساخت که این عده در نهایت مهم ترین عوامل و متغیرهای مرتبط با ضعف یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان را شامل ۹ عامل دانسته اند که به ترتیب اهمیت در جدول شماره ۴ آمده است.

**جدول ۴. عوامل موثر بر یادگیری و عملکرد تحصیلی**

ردیف	عوامل
۱	معلمان
۲	فضای مجازی
۳	خانواده
۴	کتاب درسی
۵	ساختار و نحوه برنامه ریزی نظام آموزش و پرورش
۶	شیوه های ارزشیابی
۷	امکانات و تجهیزات آموزشی
۸	زمان
۹	واقعیات کلان اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی

البته هر یک از عوامل مذکور دارای مفاهیم فرعی زیر مجموعه خود هستند.

**۱. معلمان**

معلمان به عنوان مجریان اصلی برنامه های درسی مدارس و مراکز آموزشی مهم ترین و تعیین کننده ترین عامل در یادگیری دانش آموزان هستند. از دیدگاه مشارکت کنندگان پژوهش، معلمان از یک سو، در زمینه مهارت ها و صلاحیت های حرفه ای معلمی دچار خلاها و کمبودهای مهمی هستند و از سوی دیگر با تنگناها و مشکلات ناشی از پایین بودن دریافت های حقوقی و کاهش منزلت و شان اجتماعی خود مواجهند که طبعاً مانع انجام درست وظایف و مسئولیت های حرفه ای از سوی آنها می شود. دبیر شماره ۱۶ می گوید: «فقط یک درصد معلمان ما برای به روز شدن وقت میذارن. بقیه اشراف کافی ندارن. مخصوصاً با تغییر نظام و تغییر کتب درسی معلما دیگه حوصله ندارن. کتابای قدیم رو خط به خط حفظ بودن، الان حوصله ندارن برن مطالعه کنن. وقتی هم که این مطلب رو عنوان می کنی، می گن بابا این بهترین معلم شهره من می گم؛ بود! معلمان ما در نظام جدید که فوق العاده مشکل تر از قبله آپدیت نیستن».

دبیر شماره ۱۳ به طور خاص ناکارآمدی روش تدریس دبیران را خاطر نشان کرده و می گوید: «معلم خودش مسائل (درس ریاضی) رو حل می کنه و دانش آموز هم رونویسی می کنه. هیچ وقت به بچه ها فرصت فکر کردن و حل کردن نداده ایم. دبیر کاری نداره که دانش آموز مطلب را فهمیده یا مطالب را کار می کنه یا نه؟ میاد ساعتش بخوره و بره. درسشو میده تمرینا رو هم یکی از بچه هایی که حل کرده، پای تابلو حل می کنه و بقیه دانش آموزان فقط رونویسی می کنن».

دبیر شماره ۱۴ بر خورد نامناسب و فقدان مهارت های ارتباطی برخی معلمان را مورد توجه قرار داده و معتقد است «اگر معلم نتونه ارتباط خوبی با دانش آموزان برقرار کنه، از لحاظ بار عاطفی روی دانش آموزان تاثیر میذاره. معلم و مهارت های ارتباطی و اینکه چطور دانش آموز را علاقه مند کنه و بتونه تأثیر بذاره مهمه. گاهی وقتا دانش آموز از یک درس زده میشه. اونقدر که میگه نمیخوام درس بخونم و برعکس دانش آموزی که تحت تاثیر مهارتهای ارتباطی خوب دبیر، چقدر علاقه مند شده و در ادامه تحصیل موفق بوده». در همین راستا دبیر شماره ۱۲ نیز در بیانی کوتاه می گوید: «دانش آموز میگه این درس رو دوست ندارم چون معلمش رو دوست ندارم. چرا؟ چون برخورد صحیحی نداره».

از سوی دیگر، برخی دبیران مشارکت کننده به وجود مشکلات متاثر از واقعیات اقتصادی جامعه امروز که موجب تنگناهای مالی و کاهش منزلت اجتماعی آنان شده توجه خاصی کرده و آنها را به عنوان عواملی مطرح کرده اند که عملاً موجب کاهش انگیزه های کاری و عملکرد نامناسب آنان شده است. دبیر شماره ۸ که در سال پایانی خدمت خود و در آستانه بازنشستگی است و سالها عاشقانه شیمی درس داده است در این مورد می گوید:

«محیط و آموزش و پرورش ما نگاه قشنگ به معلم نداده و همین یکی از عواملی که ناتوانی را در بین معلمان ایجاد می کند. اگر آموزش و پرورش هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ ایجاد رغبت و انگیزه در دبیران بهتر عمل کنه تأثیرش رو روی عملکرد دانش آموز خواهیم دید. البته که معلمان باید انگیزه های درونی و کار به خاطر خدا و رضایت درونی رو در خودشان بیشتر تقویت کنن ولی متأسفانه می بینیم که نسبت به ۲۰ سال پیش رغبت و انگیزه لازم در معلمان نیست» و دبیر کد ۱۳ که عشق به تدریس ریاضیات در کلامش کاملاً هویدا بود نیز دیدگاه مشابهی را مطرح می کند: «هر کس وارد حرفه معلمی می شه، باید عاشق تدریس باشه، عاشق اینکه، بچه ها یاد بگیرن. بعضی از معلم ها بی انگیزه ان. یکی از دلایلش مثلاً کم بودن حقوقشونه. می گن در حد همین حقوق، کار ما کفایت می کنه؛ چرا باید بیشتر دل بسوزونیم. مخصوصاً دبیران مرد که گاها از صبح تا شب کلاس می گیرن و دغدغه شون بچه ها نیست».

## ۲. فضای مجازی

از دیدگاه دبیران مشارکت کننده در این پژوهش، دومین عامل مؤثر بر کاهش عملکرد تحصیلی دانش آموزان درگیری و اشتغال ذهنی و عملی دانش آموزان با فناوری های ارتباطی و فضای مجازی به ویژه تلفن همراه می باشد. که آثار و نتایج ناخوشایندی را به همراه داشته است. فناوری های ارتباطی و فضای مجازی از یک سو به طور مستقیم عملکرد تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه را به شدت تحت تأثیر منفی قرار داده و از سوی دیگر آثار مخربی را نیز به لحاظ روحی، روانی و رفتاری بر شخصیت و منش اخلاقی آنها به ویژه در این مقطع سنی حساس و پر آشوب بر جای گذاشته است. از جمله این آثار مخرب می توان به مواردی هم چون درگیر شدن در روابط نامتعارف با جنس مخالف، اعتیاد مزمن و بیمارگونه به موبایل و عالم مجازی، ایجاد علایق جدید و ناهمگون با سن و روحیات نوجوانی و جوانی (مثل ازدواج زودهنگام)، شب بیداری های طولانی و به هم خوردن ساعات خواب، دور شدن از فضای واقعی خانواده و جامعه، و سست شدن بنیاد های مذهبی و اعتقادی اشاره کرد.

دبیر شماره ۱۹ هم معتقد بود: «موضوعی که این روزها خیلی بهش برمی خورم اینه که فضای مجازی باعث ایجاد درگیری ذهنی بچه ها می شه. یعنی اونا رو دچار تناقض و مشکلات عقیدتی می کنه. دانش آموزی داشتم که از طریق بعضی از این شبکه ها در مورد مسائل عقیدتی و واقعه عاشورا دچار تردید و تناقض شده بود به قول خودش از خواب و خوراک افتاده بود و نمی تونست روی درسش تمرکز کنه. دبیر شماره ۱۸ هم در مورد نقش مخرب فضای مجازی معتقد است: «سر کلاس می بینم دانش آموز چرت میزنه می پرسه مشکلی داری؟ بقیه بچه ها میخندن و می گن خانم تا ساعت ۳ بیدار بودیم. توی تلگرام. پس وقت داره درس بخونه، ولی ترجیح می ده با فضای مجازی سرگرم باشه. به هر حال اقتضای سنشونه و جذابیت این شبکه ها اونا رو جذب می کنه».

دبیر شماره ۱۶ نیز در مورد درگیری دانش آموز با خانواده در رابطه با فناوری‌های ارتباطی و لطمه‌های روحی وارده اینگونه بیان می‌کند: «دختر دبیرستانی کتک می‌خوره بابت اینکه گوشی باباش رو برداشته و یواشکی استفاده کرده، ولی بازم ازش جدا نمیشه. سرانجام، دانش آموز کد ۱ در مورد این معضل حکایت جالبی را بیان می‌کند: «دانش آموز میگه ما در منزل اصلا همدیگرو نمی‌بینیم و باهم حرف نمی‌زنیم. همه توی خونه با گوشی مشغولن حتی بابام ازون اتاق میبینه من آنلاینم پیام میده که یه لیوان آب برام بیار!».

### ۳. خانواده

خانواده و مشکلات آن عاملی تعیین کننده در عملکرد درسی و یادگیری دانش آموزان است. از دیدگاه دبیران، شرایط و متغیرهای مربوط به خانواده به گونه‌ای است که نه تنها زمینه تسهیل یادگیری فرزندان را فراهم نمی‌سازد، بلکه در شکل‌گیری آن موانع جدی به وجود می‌آورد. از دیدگاه دبیران مصاحبه‌شونده، عوامل مرتبط با خانواده شامل مواردی هم چون مشکلات فرهنگی و تربیتی و الگودهی غلط، اختلافات خانوادگی و چالش‌های عاطفی و ارتباطی، تنگناهای مالی و اقتصادی، هدایت تحصیلی غلط و اجبار به انتخاب رشته‌های ناهمخوان با علایق فرزندان و ضعف بنیان‌های اعتقادی و مذهبی است. بدیهی است موارد مذکور در نهایت تاثیراتی مخرب بر روی یادگیری و علایق تحصیلی فرزندان برجای می‌گذارند. دبیر شماره ۷ عدم حمایت انگیزشی خانواده‌ها از دانش آموزان در منزل را مورد توجه قرار داده و می‌گوید: «دانش آموز می‌گه «خانم اگه من یک برنامه ریزی خوب انجام بدم توی خونه منو مسخره میکنن، که حالا کجا را میخوای بگیرم؟ اونایی که درس خوندن به کجا رسیدن؟» و تلاش دانش آموز براشون اهمیتی نداره». دبیر شماره ۱۶ نیز معتقد است: «دانش آموزی دارم که شش هفت ماه از سال گذشته یک کلمه درس، جواب نداده، مجموع نمراتش توی این ماه‌ها واقعا به ۲۰ نمیرسه. وقتی علت را از دفتر جویا شدم گفتن به زور والدینش داره مدرسه میاد. می‌خواسته یه رشته هنری بره. و این حرف خیلی از بچه‌ها س که میکن ما می‌خوایم توی بخشای دیگه‌ای فعالیت کنیم». دبیر شماره ۱۲ هم با بیان دیگری به نقش خانواده در عملکرد تحصیلی اشاره دارد و می‌گوید: «والدین حوصله دانش آموز رو ندارن و می‌خوان بچه را از سر خودشون واکنن. اونا بیشتر تامین اقتصادی را وظیفه خودشون می‌دونن در حالی که رابطه‌های خوب اخلاقی و رفتاری می‌تونه دانش آموز رو ترغیب کنه». دبیر شماره ۱۱ مشکلات خانوادگی دانش آموزان را مورد توجه قرار داده و می‌گوید: «اختلافات خانوادگی بیداد می‌کنه، طلاق، جدایی، اعتیاد. در هر کلاس چند تا دانش آموز داریم که یا پدر و مادرشون جدا شدن یا فوت شدن. همینای روی روحیه دانش آموزو عملکردش تاثیر می‌ذاره». دبیر شماره ۱ از عوض شدن سبک زندگی خانواده‌ها و تاثیرات منفی آن بر روی یادگیری فرزندان انتقاد می‌کند: «سیستم زندگی خانواده‌ها عوض شده، والدین به تغذیه مناسب بچه‌ها توجه ندارن و خیلی از مادرا راحت طلب شدن و به فست‌فودها رو آوردن که مشکلات تغذیه‌ای برای بچه‌ها ایجاد می‌کنه و انرژی لازم برای یادگیری را به بچه‌ها نمی‌رسونه. سیستم خواب خانواده‌ها تغییر کرده گاهی تا ساعت دو و نیم شب بیرونن "سحرخیز باش تا کامروا باشی" برای بچه‌ها محلی از اعراب نداره و چون بچه‌ها در این تغییرات ناچار به همراهی با والدین هستند ناخودآگاه این موضوع روی عملکردشون تاثیر می‌ذاره».

#### ۴. کتب درسی

کتب درسی و مشکلات و کمبودهای مختلف آن عامل دیگری است که از نظر دبیران می‌تواند بخشی از ناکارآمدی‌های مرتبط با یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را توضیح دهد. در این قسمت، دبیران مشکلاتی هم چون حجیم و سنگین بودن محتوای کتب درسی و در نتیجه عدم هم‌خوانی آنها با زمان برنامه‌هفتگی دروس، عدم ارتباط محتوای کتب با واقعیات و تجارب عملی زندگی روزمره دانش‌آموزان، سازماندهی نامناسب کتب درسی و عدم رعایت پیش‌نیازهای یادگیری، عدم ارتباط محتوا و مفاهیم کتب متوسطه دوم، با دوره متوسطه اول (مقطع راهنمایی)، چیدمان نامناسب فصول کتاب، تئوری زدگی و تأکید افراطی بر مباحث نظری و بی‌توجهی به مفاهیم و مطالب کاربردی (حافظه پروری) و وجود برخی اشکالات نگارشی و چاپی و استفاده از بعضی کلمات و اصطلاحات نامأنوس را مورد اشاره و توجه قرار داده‌اند. دبیر شماره ۱۶ در این زمینه می‌گوید: «حجم کتابهای جدید سنگینه و زمان، کافی نیست، اشکالاتی هم هست، من خودم اشکالاتم را طریق اینترنت رفع کردم هیچ منبع موثقی در اختیار معلم نیست». دبیر شماره ۱۰ دیدگاه خود را در مورد کتاب‌های درسی این گونه می‌گوید: «کتاب‌های درسی ما باید توسط یه شخصی که تجربه تدریس داره نوشته بشه. گاهی کتاب‌ها ناقص نوشته شدن». دبیر شماره ۱۹ عدم ارتباط محتوای کتب درسی با واقعیات زندگی را متذکر شده و می‌گوید: «مطالب کتاب‌های درسی به درد زندگی نمی‌خوره اسامی، تاریخ‌ها و...، کتب درسی باید بازنگری بشن». دبیر شماره ۱۸ هم حجم سنگین کتب درسی و زمان آموزشی کم را به مشکل اصلی مطرح ساخته و می‌گوید: «کتب درسی دبیرستان زیاد و زمان آن کم است. برای درس ادبیات قبلا چهار ساعت وجود داشت. الان که دو درس ترکیب شده دو ساعت داره. مولفین میگن خیلی از قسمت‌ها رو رد بشید و به دانش‌آموز واگذار کنید. اما همین قسمت‌ها برای دانش‌آموز، محل سواله و پرداختن بهش وقت گیره مطالب کتاب گاهی مبهمه و دانش‌آموز نیاز داره که بارها و بارها برایش توضیح بدیم و اگر دبیر حوصله نکنه ابهام باقی می‌مونه».

#### ۵. ساختار و نحوه برنامه‌ریزی نظام آموزشی

پنجمین عامل مرتبط با ضعف یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان واقعیات مرتبط با ساختار نظام آموزشی کشور و برنامه‌ریزی نامناسب آن در مقطع متوسطه دوم است. در ذیل این عامل، مشکلاتی مثل ساختار متمرکز و یکنواخت نظام آموزشی ایران، کنکور محوری و تأکید بر تست زنی بدون فهم و درک عمیق، تغییرات سریع و یک شبه و ناگهانی نظام آموزشی، دوره‌های آموزشی ضمن خدمت ضعیف و بدون کیفیت، فقدان هدایت و راهنمایی تحصیلی کیفی و علمی دانش‌آموزان، تساهل و آسان‌گیری بیش از حد دوره‌های ابتدایی و متوسطه اول در شیوه‌های نمره دهی، تأکید افراطی بر مطالب نظری و غفلت از ابعاد کاربردی آموزش و یادگیری و بی‌توجهی به ایجاد فضای آموزشی شاد و مفرح در دبیرستان‌ها قرار می‌گیرند.

دبیر شماره ۳ در این باره می‌گوید: «در مدارس ما همه دانش‌آموزان کنار هم نشسته‌اند، من به همه یکسان تکلیف میدم و از همه یکسان تکلیف می‌خواهم. مطالب کتاب‌های درسی همه حفظی بوده و کاربردی نیستند. این کاربردی نبودن باعث عدم جذابیت نظام ما شده. تغییر سیستم آموزشی، فقط در حد اسم بوده. بخشنامه‌ها و کاغذبازی‌ها و فشارها بخشی از عملکرد ضعیف تحصیلی را در کلاس توضیح می‌دهد. مشکل

دیگر مدیریت کلان، تقلید از کشورهای دیگر و استفاده از راهکارهایی است که آنها کنار گذاشته اند. موضوع دیگری که قابل طرح است این است که عدم ارزیابی دقیق عملکرد معلمان سبب می شود دبیران تلاشی برای بهبود عملکردشان نداشته باشند. لذا دبیران پر تلاش نیز، انگیزه خود را از دست خواهند داد. دبیر شماره ۴ به این موضوع اینگونه اشاره کرد: «عدم ارزیابی عملکرد معلمان باعث میشه که مهم نباشه که معلم سطحش را بالا می بره یا نمی بره. معلمی که با توجه به تغییرات خودش رو ارتقاء نمیده، عملکردی ضعیف خواهد داشت و مسلماً عملکرد ضعیف معلم، عملکرد ضعیف دانش آموز را به دنبال خواهد داشت». عدم اهتمام به یادگیری کیفی در مقاطع تحصیلی قبلی سبب می شود دانش آموزان با پایه ضعیف تحصیلی به مقطع متوسطه دوم وارد شوند. دبیر شماره ۵ با تأسف از شیوه کار در دوره ابتدایی و متوسطه اول (دوره راهنمایی) گله داشته و می گوید: «دانش آموز با پایه ضعیف از ابتدایی و راهنمایی وارد دبیرستان می شه. از دانش آموزان می پرسیم ریاضی دوره راهنمایی را چجوری امتحان می دادید؟ می گن بهمون سوال می دادن و می گفتن حفظ کنیم! اما بچه های دبیرستان را همیشه به حفظ کردن مطالب واداشت. اونقدر اطرافشان چیزهای پرجاذبه است که باید شیرینی درس رو براشون ایجاد کنیم تا بهش تن بدن». از دیگر مشکلات این حوزه ناکارآمدی دوره های ضمن خدمت است. دوره هایی که در صورت داشتن کیفیت مطلوب، می تواند آمادگی های لازم در دبیران جهت تدریسی پویاتر را ایجاد کند، اما متأسفانه توجه عملی لازم در این زمینه صورت نمی گیرد. دبیر شماره ۴ معتقد است: «کلاسای ضمن خدمت کیفیت ندارن». دبیر شماره ۱۲ هم تصریح می کند: «این کلاسها و دوره ها صرفاً جهت گرفتن مدرک هستند و ارزش آموزشی و یادگیری ندارند. چرا که چیزی به ما اضافه نمی کند».

دبیر شماره ۳ هم اذعان می دارد: «من کلاس ضمن خدمت زیاد میرم دبیری هم خوندم من باید هنر ارتباط داشته باشم و بتونم استعداد و توانایی دانش آموز رو بشناسم، اما واقعیت اینه که دانش و تخصص لازم در این زمینه رو آموزش ضمن خدمت به من نداده». دبیر شماره ۱۵ ضمن اشاره به عدم وجود مدرسین خوب و شایسته برای آموزش های ضمن خدمت معلمان طراح و اجرای مجازی در این زمینه را کاری بیهوده دانسته و می گوید: «برای کتابا دوره الکترونیک میذارن که فایده نداره. برنامه ای برای بهرورسانی معلمان وجود نداره؛ اگر هم دوره ای هست صرفاً جهت کسب امتیاز و گرفتن گواهیه. مدرسان این دوره ها هم تخصص ندارن. خودم دوره ای رفتم که مدرس و سایرین فقط ۱۰ صفحه اول کتاب را کپی داشتن. وقتی مدرس کتاب رو توی دستم دید با تعجب پرسید «شما کل کتاب رو دارید؟» گفتم بله من عضو هیئت تحریریه کتاب های کمک آموزشی هستم به کتاب کاملاً اشراف دارم. گفت پس من میشینم شما بیاید و توضیح بدید!».

#### ۶. امکانات، تجهیزات و فضای آموزشی

امکانات، تجهیزات و فضاهای آموزشی و کمک آموزشی از دیگر عواملی است که از نظر دبیران می تواند با عملکرد تحصیلی دانش آموزان مرتبط بوده و وجود یا عدم وجود آنها زمینه قوت یا ضعف یادگیری فراگیران را فراهم سازد. در ذیل این عامل، مواردی هم چون عدم وجود یا کمبود امکانات آموزشی و کمک آموزشی (آزمایشگاه، کتابخانه)، بی توجهی به اردوهای علمی و تفریحی و عدم استفاده از ظرفیت های منطقه ای متناسب با نوع درس (مثل موزه ها و تجارب میدانی)، فقدان امکانات ورزشی اولیه

در محیط مدرسه. بی توجهی به ملاحظات هنری و زیبایی شناسی فضای آموزشی (نور و رنگ آمیزی)، شلوغی بیش از حد کلاس های درس، چیدمان نامناسب کلاس های درس و عدم استفاده از الگوهای میز گرد و L شکل و استفاده از نیمکت برای استقرار و نشستن دانش آموزان دختر در کلاس درس قرار می گیرند. دبیر شماره ۱۲ به نقش مهم وجود امکانات آزمایشگاهی در یادگیری دروس به ویژه شیمی و فیزیک اشاره کرده و می گوید: «مدارس یا آزمایشگاه نداره یا آزمایشگاهش داره خاک میخوره، چون مسئول آزمایشگاه نداریم، یا نمی خواهیم هزینه کنیم. چون مدرسه هزینه سرانه نداره و مدیر نمی تونه توی این زمینه سرمایه گذاری کنه». همین دبیر به نقش موثر اردوهای آموزشی در یادگیری ملموس و عمیق اشاره کرده و تاکید می کند: «اردوهای آموزشی تفریحی نداریم. مثلاً در درس جغرافیا باید دانش آموز محیط طبیعی، جنگل و دریا رو از نزدیک ببینه. هم بهش خوش بگذره، هم یاد بگیره. در کلاسهای ما بچه ها درحالی تخیلی با مفاهیم آشنا میشن. در واقع چون یادگیری صورت نمی گیره، مطالب رو حفظ می کنن». دبیر شماره ۳ در مورد وجود نیمکت های غیر استاندارد در کلاس های درس دانش آموزان دختر و ضررهای آن نگاه انتقادی داشته و می گوید: «دختران بالای ۱۵ سال در کلاس ها، شرایط خوبی برای نشستن توی نیمکت ها، ندارن و این می تونه از لحاظ جسمی و فیزیکی بهشون آسیب برسونه. شرایط نور و نبود استانداردها هم میتونه مانع یادگیری خوب باشه». دبیر شماره ۱۱ هم به نوعی دیگر به چیدمان کلاس اشاره کرده و معتقد است: «کلاس هایی که نیمکت داره به نسبت صندلی کنترل بچه ها مشکلاتر. به خصوص ردیفای آخر کلاسهای شلوغ، که بچه ها خیلی حرف می زنن و دبیر متوجه نمیشه». دبیر شماره ۶ کمبود فضاهای بازی و ورزش در مدارس دخترانه را مورد توجه قرار می دهد و می گوید: «داشتن یه زمین والیبال خوب و بازی کردن بچه ها توی زنگ تفریح خیلی تأثیر داره. نمی دونم چرا ساعت ورزش رو از سال چهارم حذف کردن؟ وقتی دانش آموز با ورزش، نشاط و روحیه گرفت مسلماً یادگیری هم بهتر صورت می گیره». دبیر ۴ شماره نیز به کمبود کلاس درس و در نتیجه شلوغی بیش از اندازه کلاسها اشاره کرده و می گوید: «با کلاس بالای سی نفر و یک جلسه در هفته چطور میشه هم درس داد هم پرسش کرد و هم به نیازهای همه بچه ها پاسخ داد داد و هم طوری رفتار و نگاه کرد که کسی بهش بر نخوره و احساس تبعیض نکنه؟».

#### ۷. روش های ارزشیابی

ارزشیابی یادگیری دانش آموزان، و نحوه و روش های اجرایی آن، یکی دیگر از عوامل مؤثر در ضعف عملکرد تحصیلی فراگیران متوسطه دوم می باشد. از دیدگاه دبیران، مهم ترین مشکلات روشهای ارزشیابی مورد استفاده در مدارس متوسطه دوم شامل مواردی هم چون حاکمیت صرف شیوه های ارزشیابی مداد- کاغذی و نمره محور و بی توجهی به قابلیت های عملی فراگیران، بی توجهی به موضوع بازخورد در ارزشیابی های تکوینی، هدف قرار گرفتن ارزشیابی و ارائه آموزش بر مبنای ارزشیابی، گرایش به نمره دهی افراطی و فله ای به دانش آموزان، تأکید بر ارائه پاسخ های کلیشه ای و مطابق متن کتاب، گرفتن آزمون های متعدد توسط دبیران و خستگی و دلزدگی فراگیران است.

دبیر شماره ۱۵ از سختگیری دبیران و فراموش کردن اصل یادگیری به عنوان هدف ارزشیابی سخن گفته و معتقد است: «معلم نباید سفت و سخت باشد. حالا اگر دانش آموز مفهوم را رسونده؛ بهش نمره

بده. نمره رو می‌دیم نوزده و هفتاد و پنج؛ حالا می‌دانش آموز میاد میگه «خانم تو رو خدا»، «خواهش می‌کنم» و وقتی با سختگیری دیر روبرو میشه می‌بینی که کتابش رو محکم روی میز میکوبه و حتی انگیزه‌های بعدیش رو هم از دست میده. شیوه امتحانامون افتضاحه. کارمون شده حفظ کردن مطالب. خلاقیت رو از دانش آموز گرفتیم. هدف یادگیریه اما ما دنبال این هستیم که ۲۵ صدم ازش کم کنیم». همچنین این دبیر از دستورالعملهای دست و پاگیر در حوزه ارزشیابی گله داشته و می‌گوید به من میگن برای آزمایشگاه آزمون کتبی بگیر! میگم بابا آزمایشگاه! باید از روی عمل دانش آموز نمره داد. اینکه چقدر بلده با تیغ قلب و کلیه باز کنه و دستش رونبره. میگن دستورالعمل از اداره اومده باید ۴ تا سوال بدی و امتحان کتبی بگیری. من قبول ندارم این دستورالعمل دست و پا گیره». دبیر شماره ۴ ضمن اینکه از تحلیل برگه‌های امتحانی و پیدا کردن نقاط ضعف و قوت دانش آموزان و نقش موثری که در کمک به دانش آموز و معلم در بهبود فرایند یاددهی-یادگیری دارد، سخن گفته و معتقد است: «معمولاً معلم یک نوع ارزشیابی بیشتر در ذهن نداره، «شیوه ارزشیابی سنتی» که برگه می‌ده، بچه‌ها سوال‌ها رو می‌نویسن، معلم تصحیح می‌کنه و تحویل می‌ده، بدون اینکه به تفاوت نمره‌ها دقیق بشه و بدون ارزیابی و تحلیل برگه‌ها، که خب البته قبول دارم که خیلی زمان بره».

دبیر شماره ۱۶ تفاوت فاحش حرف و عمل در نظام آموزشی در زمینه ارزشیابی را مورد تاکید قرار داده و می‌گوید: «همه جا صحبت از شیوه‌های نوین آموزشی است. اما همچنان ملاک، معدل و نمره‌ایه که در امتحان نهایی کسب میشه دقیقاً به شیوه ۲۰ سال پیش. شیوه‌های نوین آموزشی در شیوه‌های ارزشیابی سنتی خودش رو گم می‌کنه. من هر مدلی کار کنم آخر سر، باید بچه را جوروی بار آورده باشم که بتونه در امتحان نهایی نمره بالا بگیره. باز خورد در نهایت با شیوه ارزشیابی سنتی سنجیده میشه». دبیر شماره ۶ هم معتقد است: «امتحانات پشت سر هم، که دانش آموز را خسته می‌کنه و در اون تفاوت‌های فردی لحاظ نمی‌شه، عاملی برای پایین بودن نمره دانش آموزانه».

#### ۸. زمان

مشکلات مرتبط با زمان آموزش یکی دیگر از عوامل مهم مرتبط با ضعف یادگیری دانش آموزان دبیرستانی است. از دیدگاه دبیران مشکلاتی مثل عدم تناسب زمان موجود با میزان و حجم محتوای درس مختلف، حذف پنج‌شنبه‌ها و هشت ساعته شدن روزهای زوج هفته و زمان بندی نامناسب و سنگین درس در طول یک روز از جمله این موارد است. دبیر شماره ۴ در این مورد معتقد است: «تناسب لازم بین ساعات درسی با محتوای کتابهای درسی وجود نداره و این کمبود ساعت دست معلم را میننده و باعث میشه نتونه تنوع تدریس داشته باشه و از تکنولوژی استفاده کنه. یک جلسه در هفته داره باید به میان ترم و پایان ترم برسه و سر موعد نمره بده لذا نمیتونه خلاقیتش رو بروز بده». دبیر شماره ۱۵ از کمبود زمان و اینکه این زمان کم هم به دلایلی کم و کمتر می‌شود گله داشته و می‌گوید: «مثلاً درس اقتصاد ساعات آموزش کم و کوتاهاه. غیر از این بخشی از ساعتی که مال شماس رو به دلایل مختلف نداری! ببین من خودم امسال از جلسات ۵ جلسه رو نداشتم. به مدیر که می‌گفتم باور نمی‌کرد. به جلسه جشن بوده، به جلسه بچه‌ها را بردن سینما، یک جلسه برای درس آمادگی دفاعی ساعت منو گرفتن، یه بار یه همکاری مشکلی داشته ساعت من رو جابجا کردن جلسه اول بعد از عید هم اکثر دانش آموزان نبودن و عملاً نمی‌شده کار خاصی



انجام داد. حالاً بنظر تون توی این جلسات باقیمانده فرصتی میمونه که من پیگیری کنم چه دانش آموزی درس نمیخونه یا چه مشکلی داره؟ فقط میرسم کتاب رو تموم کنم. اینا در نظام آموزشی دیده نمیشه اما اگر دانش آموزی به مشکلی برخورد کنه سریع می پرسن معلم چه کار می کرده؟». دبیر شماره ۱۱ که خود عربی تدریس می کند به آثار نامناسب تعطیلی پنج شنبه ها اشاره کرده و معتقد است: «تعطیلی پنجشنبه ها و هشت ساعته شدن روزهای دیگه آثار بدی داره. من که دبیرم معمولاً ساعت چهارم دیگه کشش ندارم. ساعت چهارم عملاً کارایی نداره. برای معلم و دانش آموز توانی نیست. بچه ها منتظرن زنگ بخوره. قابل کنترل نیستن. ذهنشون یاری نمیکنه. گاهی وقتی ازشون می پرسن چرا درس نخوندی؟؛ میگن خانم دیروز ۸ ساعته بودیم و تا ساعت ۳ در مدرسه بودیم، وقت نکردیم درس بخونیم و روزهایی که هشت ساعته هستن میگن: خانم امروز ۴ تا درس داشتیم و یکی دو تا هم امتحان، نرسیدیم درس شما رو بخونیم. جدا از اون وقتی بچه ها پنجشنبه به مدرسه میان کار مفیدی هم توی منزل انجام نمیدن».

#### ۹. واقعیات کلان اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی

وجود برخی از پدیده ها و واقعیات کلان اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه امروز ایران که نوعاً توسط دانش آموزان در طول زندگی و تعاملات روزمره شان تجربه و مشاهده می شود، نیز از جمله عواملی است که کم انگیزی و فقدان عملکرد تحصیلی مناسب را به همراه دارد. از جمله این واقعیات می توان به مواردی از جمله بیکاری تحصیل کرده ها و فارغ التحصیلان دانشگاهی، فقدان ارتباط میان تحصیل و جایگاه و شأن اجتماعی و اقتصادی افراد، تغییر نظام های ارزشی جامعه، شکاف زیاد میان آموزش های نهادهای آموزشی و واقعیات عینی جامعه، مدرک گرایی و سهولت کسب مدرک از هر واحد دانشگاهی، احساس تبعیض و عدم امیدواری نسبت به آینده جامعه اشاره کرد. از دیدگاه دبیران شرکت کننده در پژوهش، موارد یاد شده و مشاهده و ادراک آنها توسط دانش آموزان باعث بی میلی به درس و ضعف عملکرد تحصیلی می شوند. دبیر شماره ۱۹ با تاکید می گوید: «یکی از عوامل، مشاهده بی عدالتی هاست. کسی که خونده با کسی که نخونده آخر سر یکی میشه. آزاد و پیام نور و دولتی همه در نهایت یک مدرک کاغذی دریافت می کنن». دبیر شماره ۱۱ نیز معتقد است: «بچه ها به آینده امید ندارن، میگن خانم اگر رتبه ۱ هم بشیم شغلی وجود نداره. دانش آموز راحت وارد دانشگاه میشه. مدام برای خودمون پیامک میاد که ارشد یا دکترا با ۱۰۰ میلیون ثبت نام. پس کسی که حقش هست نمیره و کسی که پول داره میره. بچه ها میگن یا دانشگاه آزاد می ریم یا پیام نور یا دانشگاه بدون آزمون، اونیه که وضع مالیش خوبه میگه حالا که پول دارم و بدون آزمون میتونم برم پس لزومی نداره که اینقدر درس بخونم». دبیر شماره ۱۶ به نقش رسانه ها در دامن زدن غیرمستقیم به بی انگیزی دانش آموزان اشاره کرده و می گوید: «دانش آموز انگیزه نداره چون احساس نمی کنه که تحصیل میتونه سبب ارتقائش بشه. رسانه ها مخصوصاً تلویزیون و بعضی هنرپیشه ها به طور واضح اعلام می کنن که من آدم درس خونی نبودم ولی الان بسیار آدم موفق هستم». دبیر ۱۶ که جامعه شناسی تدریس می کند نقش مشکلات اقتصادی را مورد توجه قرار داده و تاکید می کند: «مشکلات مالی باعث بی توجهی خانواده به مسائل درسی دانش آموزان می شه. قبلاً دانش آموز اینقدر در جریان قیمت ها نبود. برام جالبه که چطور دانش آموز کلاس دهمی قیمت همه چیز را می دونه. چرا؟ چون توی خونه صحبتش هست و دانش آموز درگیرش میشه. گاهی دانش آموز میگه من باید به

فکر تهیه جهیزیه برای آینده‌ام جهت تشکیل خانواده باشم! بچه ای رو که فکرش درگیر این مسائل هست نمیتونی در فضای درسی نگه داری». هم چنین دبیر شماره ۴ روایت مشابهی را نقل می کند: «دانش آموزان دغدغه مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، مالی و فرهنگی را دارند. همین باعث استرس بچه‌ها می شه. بچه‌های ما از همون دوران کودکی سیاسی هستند. بچه‌های ما با ترس، تهدید، تحریم و غیره بزرگ میشن و دغدغه این مسائل برای آینده، روی عملکرد تحصیلیشون تاثیر میذاره».

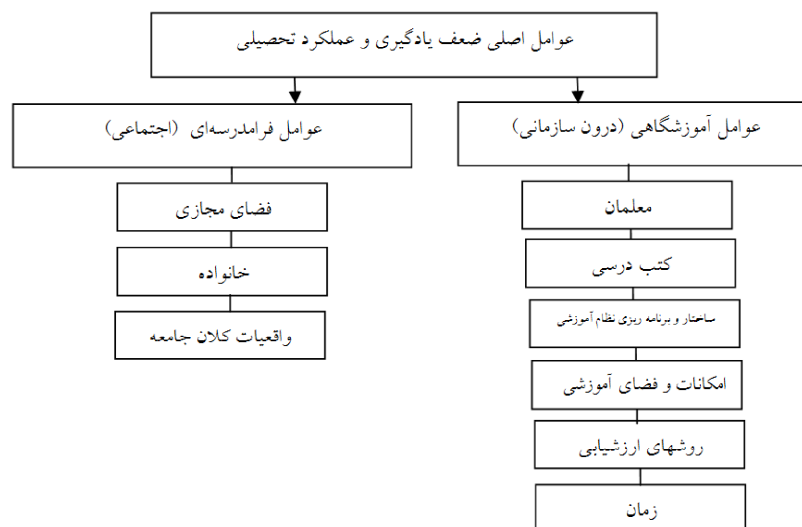
### بحث و نتیجه گیری

تحقق یادگیری دانش آموزان در ابعاد و ساحت های مختلف و رفع مشکلات و تنگناهایی که مدارس و مراکز آموزشی در این عرصه با آن مواجه هستند، از مهم ترین رویکردها و جهت گیری های نظام های آموزشی پویا و تحول گراست که همواره با خود ارزیابی و آسیب شناسی شرایط و موقعیت های موجود تلاش می کنند بسترهای بهتری را برای عملکرد و نقش آفرینی معنادار تر خود فراهم سازند. با چنین نگاهی، این پژوهش کوشیده است تا با واری و کاوش تجارب زیسته دبیران مقطع متوسطه دوم که خود به عنوان عاملان یا مجریان<sup>۱</sup> برنامه های آموزشی و درسی مهم ترین نقش را در اجرا و عملیاتی کردن آموزش در کلاس های درس ایفا کرده و از نزدیک با فراز و فرودهای مختلف آموزش و یادگیری دانش آموزان در ارتباط هستند، برخی از مهم ترین و اصلی ترین عوامل مرتبط با یادگیری فراگیران دبیرستانی را بازشناسی کرده و از این طریق شواهد و استنادات علمی لازم را برای مقابله با تنگناها و مشکلات یادگیری و ضعف عملکرد تحصیلی یادگیرندگان ارائه دهد.

پژوهشگران از طریق تامل و تمرکز بر اطلاعات و مفاهیم حاصل از این تحقیق (که در قسمت قبل مقاله ارائه شد) توانستند دو مضمون یا محور کلی را به عنوان عوامل اصلی مرتبط با یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان متوسطه دوم انتزاع و استنتاج نمایند. این دو محور، شامل عوامل مدرسه ای یا آموزشگاهی (درون سازمانی) و عوامل اجتماعی یا فرا مدرسه ای (برون سازمانی) است. عوامل مدرسه ای، نقش و جایگاه عناصر، متغیرها، افراد و پدیده های مرتبط با مسئولیت مدارس و مراکز آموزشی را در یادگیری مورد توجه و تاکید قرار می دهند. عواملی هم چون معلم، کتب درسی، ساختار و نحوه برنامه ریزی نظام آموزشی، امکانات، تجهیزات و فضای آموزشی، شیوه های ارزشیابی دبیران و جدول زمانی ارائه دروس در ذیل این محور قرار می گیرند. متقابلاً عوامل فرا مدرسه ای (برون سازمانی) که تاثیر و نقش واقعیات اجتماعی و خارج از مدرسه را بر روی یادگیری مورد توجه قرار می دهند، شامل مواردی همچون خانواده، فن آوری های ارتباطی مرتبط با فضای مجازی و فضای کلان اقتصادی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه است. در واقع، با توجه به ارتباط متقابل و تعاملی<sup>۲</sup> موجود بین نظام آموزشی و جامعه پیرامونی و واقعیات مختلف آن می توان انتظار داشت که بخشی از مشکلات مدارس و مراکز آموزشی متأثر از شرایط و عوامل تاثیرگذار خارج از مدرسه باشد. شکل ۳ تاثیر عوامل مذکور را در یادگیری دانش آموزان نشان می دهد.

۱. actors or implementers

۲. interactive



شکل ۱. عوامل اصلی موثر بر یادگیری دانش آموزان

بر مبنای نتایج و یافته‌های این پژوهش و در چهارچوب عوامل مدرسه‌ای و آموزشی (درون سازمانی) یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر یادگیری دانش آموزان، عملکرد حرفه‌ای و آموزشی معلمان در کلاس‌های درس است. نقش و جایگاه معلمان به عنوان رکن رکن نظام‌های آموزشی همواره مورد توجه و تاکید صاحب‌نظران و پژوهشگران مختلف بوده است. سیف (۱۳۹۱) ضرورت آراستگی معلمان به صلاحیت‌های مهمی هم چون دانش محتوای درس، دانش آموزشگری، دانش مربوط به یادگیرندگان و دانش مربوط به یادگیری را مورد تاکید قرار می‌دهد. در واقع، تسلط بر محتوای علمی موضوع درس با دانش چگونه آموزش دادن محتوا و انطباق دادن آن با تفاوت‌های فردی در هم می‌آمیزد. هم چنین، معلمان موفق از اینکه یادگیری چگونه رخ داده و اینکه چه اقداماتی را باید انجام دهند تا یادگیری بهتر رخ دهد، درک کاملی دارند. هالینگر، هک و مورفی<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) نیز به طور خاص نقش روش‌های تدریس معلمان را در تحقق یادگیری دانش آموزان گوشزد کرده و معتقدند که روش‌های تدریس معلمان را می‌توان یکی از ارکان مهم و اساسی تعلیم و تربیت دانست. چرا که معلم از راه آموزش در تجارب یادگیری دانش آموزان دخل و تصرف می‌کند تا بر یادگیری آنان تاثیر بگذارد به علاوه، عبدلی، زین‌الدینی میمند، و آیتی (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود با تاکید بر نقش موثر نوع ارتباط و تعامل معلمان و دانش آموزان به بررسی و آسیب‌شناسی مشکلات این حوزه پرداخته و گزارش کرده اند که از دیدگاه دبیران مشکلاتی مثل وجود تعارض میان گفتار و عمل معلم، پرحرفی معلمان در طول ساعات تدریس، بی‌حوصلگی و کسالت معلم در کلاس، تبعیض قائل شدن میان دانش آموزان و ناامید کردن دانش آموزان از آینده ادامه تحصیل اثرنامناسی بر یادگیری آنان می‌گذارد. از سوی دیگر، دانش آموزان نیز مواردی هم چون فقدان همدلی با

۱. Hallinger, Heck & Murphy

دانش آموز، وجود تعارض میان گفتار و عمل معلم، ضعف معلم در ایجاد محیط عاطفی مناسب و برخورد نامناسب معلم با مشکلات انضباطی و درسی دانش آموز را به عنوان موانع یادگیری مطرح کرده اند. در همین راستا، میرکمالی (۱۳۸۲) نیز تصریح می کند که نوع روابط انسانی، القای محبت، دوست داشتن و ایجاد جوی از امنیت و بهداشت روانی، انتخاب کلمات، عبارات، بشاشت و عبوس بودن، رسمی و غیررسمی بودن می تواند در یادگیری دانش آموزان موثر واقع شود. در تحقیق شی و فیشر<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) هم این یافته مورد تاکید قرار گرفته که بیشترین مشکل معلمان در فرآیند تدریس ناشی از فقدان ارتباط موثر میان آنها و دانش آموزان است (به نقل از عبدلی و همکاران، ۱۳۹۶). در تحقیقات انجام شده توسط گیل و پریس، برل، و آلن<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) و بهرنگی و صیدی (۱۳۹۶) نیز نقش مهم معلمان در فرایند یادگیری مورد تصریح قرار گرفته است.

از سوی دیگر، علاوه بر معلم جایگاه سایر عوامل درون سازمانی مرتبط با یادگیری دانش آموزان در دیدگاههای صاحب نظران و محققان مختلف مورد توجه قرار گرفته است. عباس پور (۱۳۸۲) در زمینه معضلات ساختاری نظام آموزشی ایران، با اشاره به وجود یک ساختار آموزشی نامناسب و فقدان نظام برنامه ریزی منابع انسانی تصریح می کند که تجدیدنظر در ساختار سنتی و متمرکز نظام آموزش و پرورش کشور کاری مهم و حیاتی است و این تحول باید بر اساس یک پیکره نظام مند و بالحاظ مولفه های ساختار، محتوا و زمینه انجام بگیرد. پژوهش قهرمانی (۱۳۸۴) هم این واقعیت را تایید کرده است که اصولاً نظام تصمیم گیری آموزش و پرورش ایران دارای نواقص و کاستی های متعددی است. به ویژه، این امر در مورد عوامل ساختاری نظام تصمیم گیری بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. در این زمینه عدم ثبات در سیاست ها و برنامه های آموزش و پرورش، فقدان نگرش نظام گرا و همه جانبه در میان مدیران آموزش و پرورش، نداشتن چشم انداز بلند مدت و نبود تخصص کافی بین مدیران آموزشی و ... به عنوان مشکلات اساسی و ساختاری آموزش و پرورش ایران مطرح و ضرورت تمرکز زدایی در این حوزه مورد تاکید جدی قرار گرفته است. جهانیان (۱۳۹۱) نیز مواردی مثل ناسازگاری برنامه های آموزشی و واقعیات محیطی، قانون گریزی و عدم التزام به برنامه ها و مقررات مصوب، ناسازگاری قوانین و برنامه های آموزشی، برخورد انفعالی و سلیقه ای با مشکلات آموزش و پرورش را به عنوان مشکلات ساختاری و بنیادی آموزش و پرورش کشور مطرح می کند که تاثیرات و تبعات منفی خود را به همراه دارد. به علاوه، مجموعه ای از سوابق تحقیقاتی موجود از جمله پژوهش حیدری (۱۳۸۵)، نادری (۱۳۹۵) معضلات مرتبط با نحوه و شیوه های ارزشیابی معلمان از یادگیری دانش آموزان و تحقیق گویا و رفیع پور (۱۳۸۹)، احمدپور و همکاران (۱۳۹۲) مشکلات و کمبودهای کتب درسی و پژوهش های گلکاری و همکاران (۱۳۹۰) نصر و همکاران (۱۳۸۳) نیز کمبود تجهیزات و امکانات کمک آموزشی مدارس کشور را گزارش و مستندسازی کرده اند که همسو با یافته های تحقیق حاضر می باشند.

از سوی دیگر، در زمینه عوامل فرامدرسه ای (برون سازمانی) نیز تحقیقات مختلف همخوان با این پژوهش مویند نقش و تاثیر فزاینده این عوامل در حوزه یادگیری فراگیران است. کرامتی و عمادیان (۱۳۹۵) در تبیین ارتباط منفی بین استفاده آسیب زا از تلفن همراه و عملکرد تحصیلی گزارش کرده اند که استفاده

۱. She & Fisher

۲. Gayle, Preiss, Burrell & Allen

کنندگان افراطی از تلفن همراه، مدت زمان کوتاه تری را به مطالعه اختصاص می دهند. بنابراین وقتی دانش آموز به دلیل مشغولیت زیاد با تلفن همراه، وقت چندانی برای مطالعه و انجام تکالیف پیدا نکند، عملکرد ضعیف وی قابل پیش بینی و قابل توجیه خواهد بود. از طرف دیگر، استفاده بیش از اندازه دانش آموزان از تلفن همراه زمینه را برای ایجاد وابستگی عاطفی به تلفن همراه فراهم کرده و از این طریق باعث ایجاد اشتغال ذهنی زیاد، افت تمرکز و در نهایت منجر به ضعف عملکرد تحصیلی می شود. تحقیق علیزاده، حقیقی، و ساعی (۱۳۹۵) هم نشان داد که گسترش فضای مجازی در حوزه رابطه فرزندان و والدین تغییراتی بوجود آورده است که از جمله می توان از کاهش نقش خانواده به عنوان مرجع، کم شدن ارتباط والدین با فرزند، شکاف نسلی به دلیل رشد تکنولوژی، از بین رفتن حریم بین فرزندان و والدین نام برد علاوه بر آن معتقدند، کاهش آموزه های دینی در خانواده، دوری خانواده از شریعت، کم رنگ شدن حریم های دینی در روابط خانوادگی از جمله آسیب های این شبکه ها می باشد. آنها ضمن اشاره این موارد که به شکل غیرمستقیم می تواند روی عملکرد تحصیلی اثر بگذارد، نشان دادند که اعتیاد به شبکه های اجتماعی بر عملکرد تحصیلی دانشجویان تاثیر منفی دارد یعنی هر چه قدر اعتیاد به شبکه های اجتماعی بیشتر باشد عملکرد تحصیلی کاهش پیدا می کند و افت تحصیلی دانشجویان بیشتر می شود. لی، جین، و وو، جیانگ، یان، و شن<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) هم نشان دادند دانش آموزان عضو شبکه های اجتماعی در اغلب موارد شبها به این شبکه ها وارد شده و همین امر می تواند موجب ایجاد خستگی روزانه به علت اختلال در میزان خواب شود که آثار منفی آن به صورت عدم تمرکز در فرایند یادگیری و افت عملکرد تحصیلی بروز می یابد. به علاوه در زمینه نقش مهم نهاد خانواده در یادگیری دانش آموزان نیز میرزایی (۱۳۹۵) تاکید می کند که یکی از مهم ترین مشکلات هدایت تحصیلی دانش آموزان عدم همراهی والدین با مدرسه و قرار گرفتن هدایت تحصیلی به جای آن است. در تحقیق معتقد لاریجانی (۱۳۹۳) نیز این نکته مورد تایید قرار گرفت که بین کارکرد پایین خانواده با کارایی ضعیف تحصیلی نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد و دانش آموزان دارای جو خانوادگی ناکارآمد به طور معناداری از نظر وضعیت تحصیلی در سطحی پایین قرار دارند به هر حال، با توجه به نتایج و یافته های حاصل از این پژوهش می توان گفت که نظام آموزشی کشور باید با محوریت مدارس و مراکز آموزشی، برنامه ها و فعالیت های لازم را در زمینه شناسایی و رفع مشکلات موجود مرتبط با یادگیری عمیق و معنادار دانش آموزان تدوین و اجرا کرده و بسترهای لازم را برای تحقق آن فراهم نمایند. در این راستا ضرورت جدی وجود دارد که مقوله بسیار مهم و اساسی تربیت معلم تخصصی و آموزش و رشد صلاحیت های حرفه ای آنها در سه حوزه دانش، نگرش و مهارت مورد تاکید خاص برنامه ریزان و سیاست گذاران آموزشی قرار بگیرد. هم چنین، نظارت دقیق بر نحوه عملکرد آموزشی و تربیتی معلمان در سطوح و پایه های تحصیلی مختلف زمینه ای را برای رشد حرفه ای، ارتقای شغلی و پاسخگو کردن آنها در قبال فعالیت هایشان فراهم می سازد. در عین حال، توجه و رسیدگی لازم به شرایط زندگی و زیست معلمان و دبیران به ویژه از منظر واقعیات اقتصادی جامعه و متناسب سازی دریافت های حقوقی آنان نقش ویژه ای در ارتقای شان و جایگاه شغلی معلمی و افزایش انگیزه های کاری آنان و کاهش حس و ادراک تبعیض نهادینه شده توسط آنان دارد. مضافا دانش افزایی و مهارت افزایی کیفی معلمان به منظور برخوردار کردن آنها از توانمندی های لازم در زمینه ارزشیابی کیفی تر و

۱. Li, Jin, Wu, Yan & Shen

واقعی تر یادگیری دانش آموزان و تشویق آنها به استفاده از روش های چندگانه و متنوع ارزشیابی دارای اهمیت فراوانی است.

هم چنین ایجاد تغییرات و اصلاحات لازم در محتوای کتب درسی فراگیران دبیرستانی به لحاظ کمی و کیفی و اعمال ظرایف و ملاحظات هنری، زیباشناسی و گرافیکی لازم در تدوین، سازماندهی و ارائه مطالب آنها و توجه عملی به نقطه نظرات دبیران در این حوزه، تخصیص امکانات و تجهیزات کمک آموزشی لازم به دبیرستان های دختران به ویژه از نظر تجهیز آزمایشگاهها، کارگاهها و کتابخانه ها و تخصیص فضای بازی و جنب و جوش برای دختران جوان و ایجاد یک محیط آموزشی جذاب و برانگیزاننده در مدارس متوسطه، تجدیدنظر و اصلاحات لازم در برنامه هفتگی دانش آموزان و کم کردن ساعات برخی حوزه های درسی غیرضروری و متناسب ساختن آن با حجم و اهمیت حوزه های محتوایی و... زمینه ها و فرصت های بیشتری را برای تقویت یادگیری دانش آموزان و مقابله عملی با ضعف عملکرد تحصیلی آنها فراهم می آورد.

از سوی دیگر، توجه جدی مدارس متوسطه به ایجاد ارتباط کیفی و معنادار با خانواده ها و تلاش در جهت انتقال آگاهی ها و آموزش ها و حساسیت های لازم در زمینه مسایل آموزشی، تربیتی و اخلاقی فرزندان و ارائه پیشنهادات و راهکارهای اصلاحی به والدین باعث تعامل و ارتباط هدفمند و پویای دو نهاد مهم مدرسه و خانواده شده و زمینه استفاده از ظرفیت های مثبت مناسبات خانوادگی در حل و رفع مشکلات یادگیری دانش آموزان ایجاد می گردد. به علاوه، تعامل معنادار و فعال دو نهاد مدرسه و خانواده می تواند زمینه انتقال آگاهی ها و مهارت های مرتبط با کنترل و مدیریت بهینه نحوه استفاده و بکارگیری فن آوری های ارتباطی به ویژه تلفن همراه توسط دانش آموزان از سوی مدرسه به والدین را به همراه داشته باشد. در واقع، فرض بر این است که مدرسه مجموعاً می تواند در کاهش تاثیرات مخرب و منفی عوامل برون سازمانی بر یادگیری دانش آموزان عملکردی کارآمدتر و اثربخش تر نسبت به آنچه اکنون مشاهده می شود داشته باشد.

#### منابع

- احمدپور، آرام، سامی، رقیه، و شاهی، رقیه. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر استفاده از تخیل در کتاب های درسی بر خلاقیت دانش آموزان. همایش ملی تغییر برنامه درسی دوره های تحصیلی آموزش و پرورش. دانشگاه بیرجند.
- اکبری منجمویی، فاطمه، کشتی آرای، نرگس. (۱۳۹۴). رابطه بین ابعاد استاد اثربخش از دیدگاه دانشجویان با سبک های یادگیری آنها. پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۱۲(۱۸)، ۲۸-۱۳.
- پناهی، غلامحسین، قانلی، یحیی، ضرغامی، سعید، عبداللهی، محمدحسین. (۱۳۹۶). تبیین فلسفه یادگیری با تاکید بر نظریه یادگیری وینچ. فصلنامه پژوهش در نظام های آموزشی، ۳۶، ۲۰۸-۱۸۱.
- تلخابی، سعید. (۱۳۹۴). تأثیر الگوی طراحی آموزشی چهار مولفه ای بر یادگیری و یاد داری سطوح بالای شناختی دانش آموزان در درس ریاضی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- جهانیان، رمضان. (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل سیاست های توسعه ای آموزش و پرورش ایران در دوره

- معاصر، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۸(۱۹)، ۹۳-۱۱۶.
- حسینی لرگانی، مریم، سیف، علی اکبر. (۱۳۸۰). مقایسه سبکهای یادگیری دانشجویان با توجه به جنسیت، مقاطع تحصیلی و رشته تحصیلی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۷(۱۹)، ۹۳-۱۱۴.
- حیدری، شعبان. (۱۳۸۵). تاثیر اجرای ارزشیابی تکوینی بر افزایش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سال اول منطقه فریدون کنار. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۷). روان شناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش. تهران: نشر دوران.
- شعبانی، حسن. (۱۳۹۶). مهارتهای آموزشی و پرورشی (روشها و فنون تدریس). تهران: سمت.
- طلائی، افسانه، حکمت پو، داوود. (۱۳۹۱). تبیین تجارب دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اراک از عوامل مؤثر در فرآیند یادگیری فعال. پژوهش کیفی، ۱۲(۲)، ۱۳۱-۱۴۲.
- عباس پور، عباس. (۱۳۸۲). واکاوی مفهوم ساختار و نقش و اهمیت آن در حل مسائل آموزش و پرورش. فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، ۹(۳۳ و ۳۴).
- عبدلی، افسانه، زین الدینی میمند، فاطمه، آیتی، محسن. (۱۳۹۶). آسیب شناسی فرایند برقراری ارتباط در فرایند یاددهی - یادگیری از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دبیرستان های شهر اصفهان. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۳۵(۳)، ۲۹-۸.
- علیزاده، سپیده، حقیقی، فهیمه السادات، ساعی ارسی، ایرج. (۱۳۹۵). تأثیر اعتیاد به شبکه های اجتماعی بر عملکرد تحصیلی و کارایی دانشجویان علمی - کاربردی استان تهران. فصلنامه علوم رفتاری، ۲۸، ۱۶۷-۱۸۵.
- غریبی، حسن. (۱۳۹۴). تعریف یادگیری. دانشنامه ایرانی برنامه درسی، ۱، ۱-۶.
- قهرمانی، محمد. (۱۳۸۴). بهسازی نظام تصمیم گیری در آموزش و پرورش از دیدگاه اعضای هیات علمی دانشکده های علوم تربیتی دانشگاه های تهران و مدیران و کارشناسان ستادی وزارت آموزش و پرورش. فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۴(۱۳)، ۵۷-۳۲.
- کرامتی، میسر، عمادیان، سیده علیا. (۱۳۹۵). رابطه رشد اخلاقی، اعتیاد به پیامک و افت تحصیلی دانش آموزان. فصلنامه فن آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، ۶(۴)، ۱۱۱-۱۲۶.
- کلباسی، سعید، ناصری، محسن، شریف زاده، غلامرضا، پورصفر، علی. (۱۳۸۷). سبک یادگیری دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند. مجله گام های توسعه در آموزش پزشکی، ۵(۱)، ۱۰-۱۶.
- گال، مردیت، بورگ، والتر، گال، جويس. (۲۰۰۶). روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی (جلد اول). ترجمه احمد رضا نصر و همکاران. (۱۳۹۰). تهران: سمت.
- گلکاری، سمیه، آیتی، محسن، راستگو مقدم، میترا. (۱۳۹۰). تأثیر برنامه مبتنی بر وبلاگ بر خلاقیت دانش آموزان متوسطه. نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، ۷(۴)، ۳۳۳-۳۲۵.
- گنجعلی، مهدی. (۱۳۹۳). بررسی میزان تاثیر کاربرد روش های علمی مدیریت بر جلوگیری از افت تحصیلی دانش آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

- محمودیان، حسن، عباسی، مسلم، پیرانی، ذبیح، شاه علی کبورانی، فاطمه. (۱۳۹۷). نقش اشتیاق عاطفی، شناختی و رفتاری یادگیری در پیش‌بینی فرسودگی تحصیلی دانشجویان. *راهبردهای شناختی در یادگیری*، ۱۰، ۲۰۶-۱۹۷.
- مشتاقی، سعید، افضل زاده، محمد. (۱۳۹۵). رابطه عوامل اثربخش بر یادگیری دانشگاهی با پیشرفت درسی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی دزفول. *توسعه آموزش در علوم پزشکی*، ۹(۲۲)، ۷۴-۸۲.
- معتقد لاریجانی، محمد. (۱۳۹۳). نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان: دوره راهنمایی شهر تهران. *فصلنامه روانشناسی تربیتی*، ۱۰(۳۱)، ۲۲۲-۲۱۱.
- میرزایی، احمد. (۱۳۹۵). *هدایت تحصیلی یا تحمیلی؟ والدین؛ مهمترین مانع هدایت تحصیلی فرزندان*. خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا».
- میرکمالی، سیدمحمد. (۱۳۸۲). *رهبری و مدیریت آموزشی*. تهران: نشر یسپرون.
- میلر، جی. پی. (۱۹۸۳). *نظریه‌های برنامه درسی*. ترجمه محمود مهر محمدی. (۱۳۹۴). تهران: سمت.
- نادری، سوسن. (۱۳۹۵). *شیوه‌های نوین ارزشیابی پیشرفت تحصیلی*. نهمین کنفرانس آموزش شیمی ایران.
- نجفی، تکتم، آتشی، سید حسین، جعفری، علیرضا. (۱۳۹۱). بررسی و مقایسه وضعیت یادگیری رسمی و غیر رسمی و منابع آن در دانشجویان (مطالعه موردی، دانشگاه افسری امام علی). *فصلنامه علمی و پژوهشی مدیریت نظامی*، ۱۲(۴۸)، ۱۹۷-۲۲۶.
- نصر اصفهانی، احمدرضا، معین پور، حمیده، ساعدی، عاطفه. (۱۳۸۳). تأثیر عوامل فیزیکی کلاس بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. *فصلنامه پژوهش‌های تربیتی و روانشناختی*، ۴، ۶۸-۵۴.
- هرگنهان، بی. آر.، و اولسون، متیو، اچ. (۲۰۰۵). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری*، ترجمه علی اکبر سیف. (۱۳۸۶). تهران: نشر دوران.
- یوسفی افرشته، مجید، مروتی، ذکرااله، چراغی، ابازر. (۱۳۹۴). شناسایی مولفه‌های محیط یادگیری اثربخش بر پایه ادراک دانشجویان رشته بهداشت. *دوماهنامه علمی و پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۴، ۲۶۸-۲۶۱.
- Arkun, S, & Askar, P. (2010). The development of a scale on assessing constructivist learning environments. *Journal of Education*; 39, 32-43.
- Bandura, A. (1986). *Social foundation of thought and action*. Englewood Cliffs, NJ: Precentic Hall.
- Bernardo, A. B. I. (2004). Culturally-rooted beliefs and learning: Exploring the relationships among social axioms, achievement goals, and learning strategies of Filipino college students. *Philippine Journal of Psychology*, 37 (2), 79-100.
- Cheney, P. W. (2008). *Constructivist learning environments: Students perceptions of a technology skills virtual internship [Dissertation]*. University of Virginia.
- Entwistle, N. J. (2000). *Promoting deep learning through teaching and assessment: Conceptual frameworks and educational contexts*. Paper presented at the TLRP Conference, Leicester.
- Gagne, R. M. (1977). *The conditions of learning*. 3rd Edition, Holt, Rinehart, and Winston, New York.
- Gayle, B. M., Preiss, R.W., Burrell, N. & Allen. M. (2006). *Classroom communication and instructional Processes: Advances through meta-analysis processes*. Mahwah, NJ: Lawrence



- Erbaum Associates, Inc.
- Hallinger, Ph., Heck, R. H., & Murphy, J. (2014). Teacher evaluation and school improvement: An analysis of the evidence. *Educational Assessment, Evaluation and Accountability*, 26(1): 5-28.
  - Howell, A. J., & Watson, D. C. (2007). Procrastination: Associations with achievement goal orientation and learning strategies. *Personality and Individual Differences*, 43 (1): 167-178.
  - Kim, E., Newton, F. B., & Downey, R. G. (2010). Personal factors impacting college student success: constructing College learning effectiveness inventory (CLEI). *College Student Journal*, 44 (1): 385-396.
  - Li, S., Jin, X., Wu, S., Jiang, F., Yan, C., & Shen, X. (2007). The impact of media use on sleep patterns and sleep disorders among school-aged children in china. *Sleep*, 30 (3):361-367.
  - Michael Klipfel, K. (2014). Assessing the effects of authenticity on student engagement and information literacy in academic library instruction. *Reference Services Review*, 42 (2): 229-245.
  - Russell, R.K., Petrie, T.P. (1992). Academic adjustment of college students: Assessment and counseling. In S.D. Brown and R.W. Lent (Eds.), *Handbook of Counseling Psychology*. New York: Wiley.
  - Strauss, A., & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*. Newbury Park, CA: Sage.
  - Young, M. R. (2005). The motivational effects of the classroom environment in facilitating self-regulated learning. *Journal of Mark Educ*, 27(1): 25-40.

**Poor Learning And Academic Performance Of Female High School Students; Examining The Experiences Of Female Teachers**

\* M. Amini  
 \*\*S. A. Madani  
 \*\*\*F. Baghsheykhy

**Abstract**

The main objective of this research was to investigate and explore the most important factors affecting learning weakness and poor academic performance of female students in secondary education of Kashan, based on the experiences and narratives of the teachers of this level. The general approach to this research was a qualitative approach which based on the grounded theory and use of the lived experience research tradition through the process of deep semi-structured interview. In this regard, using the purposeful (judgmental) sampling method, the experiences of 19 second high school teaches were collected and analyzed through the three-step; open, axial and selective coding process. The results and findings of this research showed that the most important factors associated with the weakness of female students' learning and academic performance were the teachers, communication technologies, family, textbooks, structure and planning of the educational system, lack of facilities, equipment and space, evaluation methods, time and social, cultural and economic facts of society. At the same time, the researchers by focusing on above factors deduced and abstracted two principal themes or phenomena of research, schooling factors (internal variables) and social factors (external variables). These factors were the main factors explaining the weakness of learning and reducing the academic performance of second-grade female students. Obviously, the implementation of the necessary strategies for coping with the problems associated with the mentioned factors requires an organized and coherent effort of the educational system especially in the secondary school.

**Keywords:** learning, academic performance, secondary education, female students, female teachers.

---

\* Associate Professor, Department of Education, Kashan University, Kashan, Iran. (Corresponding author, Email: amini@kashanu.ac.ir)

\*\* Assistant Professor, Department of Education, Kashan University, Kashan, Iran. (Email: madani@kashanu.ac.ir)

\*\*\* Master of Educational Administration, University of Kashan, Kashan, Iran. (Email: f.baghsheykhi@yahoo.com)